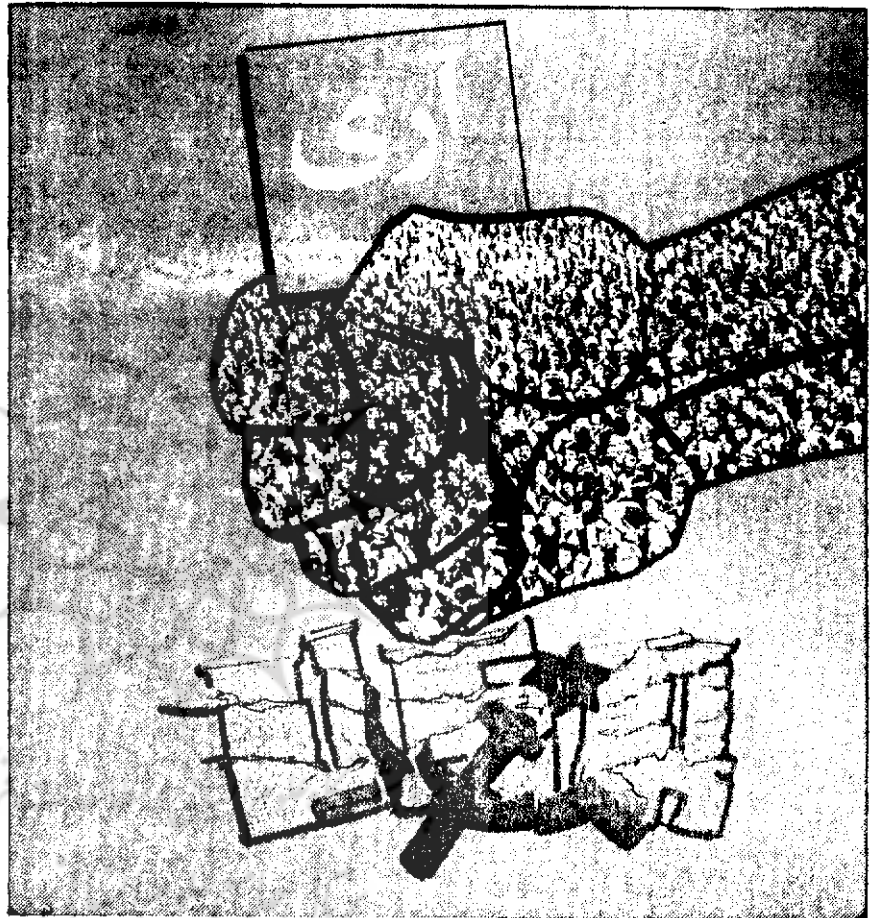


به مناسبت چهارمین سالگرد تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی دستوردهی در جهت تداوم انقلاب

پرخوردهای انفرادی براساس سلیقه ها و معیارهای شخصی و مرزبندی یا خطوطی که با اغتشاش و به آشوب کشاندن جامعه سعی در تشدید بی نظمی و بی ثباتی در جهت نیل به اهداف اربابان خویش را داشتند راهی جز تثبیت این ارزشها از طریق قانون و مدون نمودن احکام الهی اسلام در چارچوب اصولی متقن نبود. لذاست که می بینیم امام با شناختی عمیق از ویژگیهای انقلاب با توجه به جو حاکم بر جامعه و سمت گیری حرکت ضد انقلاب در تدوین قانون اساسی تاکید و اصرار ورزیده و امر به تشکیل مجلس خیرگان می دهند و امت نیز در این میان به تبعیت از این فرمان با انتخاب کسانی که نوعا سالها در کنارشان به مبارزه علیه ظلم دست زده و یکسره در خدمت اسلام و مسلمین بودند به عنوان خیره در مسائل اسلامی و آگاه به زمان به مجلس خیرگان فرستادند تا بدینگونه مقدمات استقرار حکومت اسلامی را فراهم سازند.

*** وجود فقهای عالیمقامی چون
آیت الله العظمی منتظری،
مشکینی، صدوقی، و دیگر
شهادی محراب و شهید دکتر
بهشتی و... بسیاری دیگر از
یاران اندیشمند امام که هر یک
در مبارزات خویش به عنوان
چهره های روشن و درخشان
انقلاب در قلب مردم جای گرفته
بودند این اطمینان را در اذهان
پدید می آورد که هر چه به
تصویب این علمای مبارز برسد،
بدور از انحراف از اصول
اسلام و عدول از آرمانهای
انقلاب است.**



این راه تقدیم خدا نموده بودند، نیاز به تدوین قانون اساسی در شرایطی احساس گشت که مردم بصورت خودجوش و یویا بر علیه مظاهر ظلم و زنجیرهای اسارت قیام کرده و ریشه های روابط و ضوابط طاغوتی را از هم گسیخته بودند و در این شرایط بی شک برای استمرار و تداوم خط اصولی انقلاب در جهت تحقق بخشیدن به حاکمیت اسلام اصیل و رهایی مردم از سردرگمی و انحراف و جلوگیری از

یکی از پر ارزشترین دستاوردهایی که مبارزات پیگیر امت اسلامی مان به رهبری امام در جهت تحقق بخشیدن به شعارهایی که دیر زمانی به مثابه نقاط روشنی در دل امت ما حفظ شده و در جاری خون شهیدان انقلاب تظهير شده بود، استفرار و حاکمیت قانونی بود که بتواند با تاثیر پذیری از آن آرمانها و اعتقادات دیرین، حافظ ارزشهایی باشد که همه از امام تا امت بدان پای فشرده و شهادتی نیز در

رسالتی که خبرگان بدوش کشیدند

اینک خبرگان می بایست هوشیار و نکته سنج کتاب قانون اساسی انقلابی را تدوین کنند که مانند الگوی مجسم اسلام به مثابه یک مکتب مبارز و در میان ملل محروم سر بر آورده و بارسالت برپایی قسط و عدل و تحقق بخشیدن به حاکمیت مستضعفین و متصف به ایدئولوژی اسلامی و پای بند به شعار نه شرقی و نه غربی پا به میدان نبرد با دشمنان انسان و انسانیت گذارده بود. وجود فقهای عالیمقامی چون آیت الله العظمی منتظری، مشکینی، صدوقی و دیگر شهدای محراب و شهید مظلوم آیت الله بهشتی و دکتر باهنر و بسیاری دیگر از یاران اندیشمند امام که هر یک در مبارزات خویش به عنوان چهره های روشن و درخشان انقلاب در قلب مردم جای گرفته بودند و کارنامه ای موفق در زمینه مبارزات اسلامی سیاسی بدور از پرده های عاقبت طلبی، توجیه های انحرافی و فرصت طلبی های سازشکارانه داشتند، این اطمینان را در اذهان پدید می آورد که هر آنچه به تصویب این علمای مبارز برسد، بدور از انحراف از اصول اسلام و عدول از آرمانهای انقلاب بوده. و مردم براین باور بودند که نوع نگرش اینان به اسلام و برداشتشان از ابعاد مختلف اصول فقهی اسلام، در مسیر کلی حرکت امام قرار دارد و تایید امام مبنی بر اینکه «من در آن (قانون اساسی) انحرافی نمی بینم» شاهی صریح براین مدعاست.

قانون اساسی در برگیرنده ارزشها و ویژگیهای خاص انقلاب اسلامی

یکی از مهمترین ویژگیهای این قانون صحه گذاشتن بر حاکمیت عنصری بر جامعه است که دست پرورده اسلام و آگاه به معارف اسلامی باشد و آن ولایت فقیه است که استمرار و تداوم این نهضت حسینی را تا حکومت بر حق بینان گذار حکومت اسلامی حضرت مهدی (عج) بر زمین می کند ولایت فقیه تداوم خط سرخ شهادت و حاکمیت اسلام بر جامعه است.

ولایت فقیه حکومت فردی فقیه و عادل، متقی شجاع و آگاه به زمان و خلاصه در یک کلام نایب ولی عصر (عج) می باشد و این نه حکومت فرد بلکه حاکمیت مکتب و مکتب فقیه بر جامعه است و براین

اساس است که این اصل مورد توجه و تائید امت قرار می گیرد.

از آنجا که هدف اسلام رشد دادن به انسان در مسیر الله است حکومت اسلامی موظف است تا زمینه های بروزشکوفایی استعدادها در این مسیر تکاملی را فراهم آورد و این جزء درگرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی باشد. بدین خاطر قانون اساسی علاوه بر تاکید بر حضور همیشگی مردم در صحنه، آنها را در کلیه مراحل تصمیم گیری با تاکید بر اصل تشکیل شوراها در روستاها، کارخانجات، شهرها به منظور تامین قسط اسلامی و همکاری در

خواری رها کرده ایم.

از آنجا که با توجه به موازین اسلام و با در نظر گرفتن این حقیقت که بیشتر آیات قرآن خطاب به مردم است و مصلحت انسان رشد یابنده را در نظر دارد قانون اساسی نیز می بایست مصلحت عمومی امت را رعایت کرده، همه مردم بتوانند آزادانه از این سفره طبیعت منتعم شوند و بند عبودیت غیر خدا را از گردن خود بیرون کرده و تنها بنده خدا باشند و بس. و بی شک گردنها از عبودیت طاغوتها باز نمی شود مگر در سایه اقامه عدل و قسط در جامعه. آیت الله العظمی منتظری در خصوص این مسئله که چگونه قانون اساسی قسط و عدل را به جامعه طاغوت زده

*** آیت الله العظمی منتظری: «قانون اساسی چون صد در صد اسلامی است و در عین حال مترقی و قابل انطباق با این زمان می باشد، انشاء الله ترقی و پیشرفت کشور ما را تضمین می کند و در قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان مسائل اقتصادی حل شده است و به هیچ وجه تمرکز و تکاثر نخواهد شد»**

ما بر میگرددند می گویند «قانون اساسی چون صد در صد اسلامی است و در عین حال مترقی و قابل انطباق با این زمان می باشد. انشاء الله ترقی و پیشرفت کشور ما را تضمین می کند و در قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان مسائل اقتصادی حل شده است و به هیچ وجه تمرکز و تکاثر نخواهد شد» شهید آیت الله بهشتی ضمن تاکید بر این نکته که تنها با تلاش همه جانبه ملت بر پایه قانون اساسی می توانیم یک نظام سازنده بوجود بیاوریم می گوید «من فکر می کنم قانون اساسی در آن سطحی هست که هر چیزی را خواهیم به جامعه بدهیم»

اصول ولایت فقیه، سپردن کار مردم به مردم، تشکیل شوراها و اسلامی و دادن حق نظارت مردم بر کارهای عمومی، بر پای قسط و عدل و جلوگیری از تکاثر و تمرکز، تأمین آزادیهای فردی و گروهی... همه از نقاط برجسته قانون اساسی است که براساس قرآن و احادیث توسط فقهای اسلام شناس به رشته تحریر و تنظیم در آمده است.

فقیه در حدیث ۶۸.

تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی و پیوسته امور در واحد های تولید، صنفی کشاورزی و پیشرفت سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی و ... سپیم می داند.

مرحوم آیت الله طالقانی در خصوص این ویژگی در قانون اساسی می گوید که «قانون اساسی به مصلحت همه است. قانون ما فقط ادعا نیست که کار مردم و سروشت آنها باید بدست خودشان باشد و حقوق اقتصادی - اجتماعی و سیاسی به آنها داده شود. بیاری خداوند و همکاری مردم به آنچه می گویند عمل خواهیم کرد»

که بلا شک از دیدگاه مکتب اسلام و قانون اساسی دادن حق نظارت به مردم، و مشارکت دادن آنها در کارهای عمومی، از نوع غربی نیست که مردم تنها به مثابه ابزاری در دست صاحبان قدرت و سرمایه باشند که در ایتصورت به جای رشد انسان او را نا سرحد یک وسیله پائین آورده ایم و در ورطه ذلت و

قانون اساسی دستاوردی...

و امروز به عنوان ملاک و معیاری است برای اداره مملکت و کمکی برای مدعیان طرفداری از انقلاب و حکومت اسلامی و عمل به قانون چشم اندازی است برای مستضعفین جهان. چرا که بنام حجت الاسلام و المسلمین آقای خامنه‌ای رئیس جمهور «این قانون مخصوص ایران نیست و این قانون به درد همه انقلابهای جهان و همه کشورهای اسلامی می‌خورد». اگر این را بپذیریم که این قانون فقط مخصوص ما نیست و اگر بپذیریم که امروز مستضعفین جهان در انتظار تحقق عینی این قانون هستند، مسئولیت بسی سنگینتر خواهد شد. چرا که بی شک اگر ما نتوانیم با بهره جستن از این قانون مشکلات اجتماعی - اقتصادی سیاسی خود را حل کنیم، در عمل قانون اساسی را باین بست مواجه خواهیم کرد و این خود ضربه به قانون اساسی و ضربه به آن به منزله ضربه زدن به اسلام و انقلاب اسلامی است. نگاهی به روند حرکت ضدانقلاب در برخورد با قانون اساسی از ابتدا تشکیل مجلس خبرگان تا فرارندم و بعد از آن تأییدی است بر این مدعا که دشمن در صدد است تا ضمن ممانعت از اجرای قانون، زمینه‌های صدور انقلاب را مسدود

کند. ضد انقلابیون و عوامل داخلی استکبار جهانی و غرب زدگان در برابر تشکیل مجلس خبرگان شعار تشکیل مجلس مؤسسان را می‌دادند تا با استفاده از شیوه‌های دموکراسی غربی بتوانند عوامل خود را به مجلس فرستاده تا بدین ترتیب از تدوین قوانین اسلامی و انقلابی جلوگیری به عمل آورند و پایه‌های انحراف از اصول را از اصلی‌ترین مکان آغاز کنند. و بعد از آن منحرفین و منافقین فرارندم قانون اساسی را تحریم کردند.

و بعضاً مشروط و با گذاشتن اما و اگرهایی رأی می‌دادند و افرادی چون شریعتمداری و جریان‌های وابسته به آنها که بتازگی از کنج تقيه‌های عافیت طلبانه و سازشکارانه‌شان بدر آمده بودند قانون اساسی را اسلامی ندانسته و در نهایت به آن رأی ندادند.

سردمداران این جریانات امروز نیز درصددند تا با کار شکنی‌ها از اجرای آن جلوگیری به عمل آورند.

امروز جریانی که می‌خواهد قانون اساسی را مغایر و متفاوت با شرع مقدس اسلام جلوه دهد باید توجه داشته باشد که امت ما قانون اساسی را به مثابه میثاق اساسی خود با هیران واقعی خود دانسته و به آن رأی داده است. و شهیدان ما با خون خود

اصول آنرا ضمانت و امضاء کرده و در راه تحقق آن جان باخته‌اند و برجسته‌ترین فقهای زمان ما در تدوین و تنظیم آن نقش اساسی و تعیین کننده داشته‌اند و نادیده گرفتن قانون اساسی یعنی پشت پا زدن به تمام این مقدسات.

نکته دیگر که می‌بایست در حاکمیت قانون بدان توجه داشت مسئله ضابطین و مجریان قانون است که کم توجهی به آن منجر به عدم اجرای قانون برای همیشه می‌گردد به عبارت دیگر تنها کافی نیست تا ما قوانین خوبی داشته باشیم بلکه باید بین قانون و ضابطین و مجریان آن یک نوع هم‌سنخی وجود داشته باشد و الا قانون بدست مجریانش زنده بگور می‌شود.

فرضا برای تحقق بخشیدن به قوانین و احکام الهی و یا رسیدگی به امور مستضعفین نمی‌توان جهت اجرا قوانین را بدست مخالفین قانون لیبرال منش‌ها و سرمایه دارها و یا حامیان آنها سپرد.

بهرحال غرض آنست که باید با دقت و درایت و با رجوع به قانون اساسی و با اعتبار بخشیدن بیشتر به حضور مردم در صحنه و انتخاب مجریانی صدیق و آگاه مشکلات را حل نمایند و زمینه‌های تحقق اهداف ضد انقلاب را مسدود کنند. باشد که باوفاداری به اصول قانون اساسی و تعهد به اجرای آن پاسدار خون شهیدانمان باشیم.

پیرامون گندم...

تعهدات ماملفی نیست. در جمهوری اسلامی میزان گسترش خدمات خیلی زیاد شده است و ارائه این خدمات احتیاج به زحمت و تلاش زیادی دارد، امسال در حدود یک میلیون تن مصرف مانتبست به سال ۵۸ افزایش پیدا کرده است. و چون مصرف بالا رفته و جمعیت زیاد شده است بنابراین برای جبران آن باید واردات هم ازدیاد یابد. پس باید هر چه سریعتر درجهت خودکفایی گندم با هر قیمت اقدام کنیم حتی اگر منجر به کاهش کنت بعضی از محصولات گردد. درحال حاضر ما یک ششم مصرف جامعه شهری را از داخل تهیه می‌کنیم که بعنوان کالای اساسی رقم بسیار پایینی است. لذا هر چند که میزان خرید گندم ما از کشته‌ورزان بالا افتاده است ولی در عوض میزان واردات ما بر اثر پس پیدا کرده است. دلیل همان تعهداتی که ما برای تأمین نان داریم

و ما نمیتوانیم این مقدار گندم را وارد کنیم، چرا که باید سراغ همان کشورهای برویم که شعار مرگ برایشان می‌فرستیم.

نباید فراموش کنیم که مادرانقلاب شعارهای استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی دادیم. شعارهایی که مفاهیم عظیمی دارد، مثلاً برای اینکه استقلال را تحقق بدهیم باید تلاش کنیم و بانی همه چیز از جمله جنگ، محدودیتهای اقتصادی، بسته شدند تنگه هرگز نبایستیم و تدارکات وسیعی را فراهم کنیم.

باید داستان حضرت یوسف را بیاد بیاوریم و برای هفت سال ذخیره سازی کنیم تا بتوانیم شعار ادامه نهضت تا انقلاب مهدی را تحقق بدهیم. برای اینکه باید امکانات ذخیره سازی سیلو و انبار را بیشتر کنیم. خوشبختانه قراردادی در رابطه با صادرات بزرگ سدهزارتنم. قبیل از انقلاب تاکنون بسته شده بود که تا تمام مانده بود و ما آنرا به برادران جهادسازندگی واگذار کردیم.

امروز مایک ارگان متشکل سیلوسازی داریم که حتی نمیتوانیم در روستاها سیلوهای کوچکتر را تهیه کنیم و یزودی واحدهای سیلوی قم و اراک هم مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت. تمام این اقدامات بدون عوض شدن فرهنگ مردم نمیتواند مشکلی را حل کند. پس باید فرهنگ مصرف زدایی را بداخل مردم بر دوه آنها فهمانید که هردانه نانی که روزانه می‌خورند و کناره‌های آنرا جمع کرده و به نمک فروش داده و درازایش نمک می‌گیرند و به خیال خود صرفه جویی میکنند. هردانه نان به چه قیمتی تمام میشود و چقدر مارا وابسته میکند. چقدر سیلوها کارگرانی را بیمار کرده و از همه مهمتر ۴۰ میلیاردریال سوبسیدی که ماسالانه برای ارزان شدن نان پرداخت میکنیم.

رسانه‌های گروهی باید اسراف و تبذیری را که در مورد مصرف نان بدلیل ارزان بودن قیمت آن صورت می‌گیرد، برای مردم مطرح کنند. نانوایان باید پخت، صحیح انجام دهند تا نان هدر نشود. آمار

جهاد